**شادی... لذت... تفریح**

پدید آورنده : احمد حاجی ده آبادی ، صفحه 29

|  |
| --- |
| **آیا فقه با مصادیق شادی و تحرک، همچون رقص، آواز و ترانه، موسیقی و تفریح آزاد زن و مرد و نظایر آن مخالف است؟**  در پاسخ به این سوءال، می توان هم از دیدگاه فقه به عنوان بخشی از تعالیم دین اسلام پاسخ داد و هم می توان از دیدگاهی وسیع تر، این مسئله را در همه اجزای دین، اعم از احکام (فقه) و غیر آن پاسخ داد و از منظر اخیر، می توان به نکات زیر اشاره کرد:  **1. مطلوبیت شادی و شاد کردن در اسلام**  در تبیین جایگاه شادی در اسلام، باید گفت که اصل شاد زیستن در اسلام، مورد پذیرش، بلکه تأکید است. امام علی علیه السلام می فرماید: «شادی، انبساط خاطر و نشاط می آورد و غم، گرفتگی خاطر و دل گیری1 و نیز فرمود: «کسی که شادیش کم باشد، آسایش او در مردن باشد.2  امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر که به چهره برادر خود لبخند زند، آن لبخند برای او حسنه ای باشد3 به همین جهت است که شاد کردن برادر مومن، امری است مستحب و شوخی کردن با دیگران، عملی مجاز به شمار می رود. در تاریخ آمده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و حضرت علی علیه السلام خرما می خوردند. پیامبر صلی الله علیه وآله، هسته های خرما را جلوی حضرت علی علیه السلام می گذاشت؛ پس از مدتی، وقتی هسته های زیادی جلوی حضرت علی علیه السلام جمع شد، پیامبر صلی الله علیه وآله به او فرمود: یا علی! شما خیلی پرخوری و حضرت علی علیه السلام در پاسخ گفتند: پر خور کسی است که خرما را با هسته اش می خورد.  در روایتی چنین آمده است: «در بهشت خانه ای است به نام خانه شادی و تنها کسی که یتیمان و بچه ها را خوشحال کند، به آن داخل می شود».  اسلام برای فراهم شدن زمینه های شاد زیستن مؤمنان، به ابزارهای آن توجه زیادی کرده است؛ به عنوان مثال، بوی خوش که عامل مهم شادمانی است، از سنت های رسول خدا صلی الله علیه وآله است. امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وآله برای بوی خوش، بیشتر از خوراک خرج می کرد.  همچنین پوشیدن لباس سفید در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است؛ چون رنگ روشن، به ویژه سفید، شادی آفرین است و شاید از این جهت است که پوشیدن لباس سفید، به ویژه در حال نماز، سفارش شده است.  توصیه به نظافت، سیر و سفر، شرکت در مجالس شادی، مثل مجالس عروسی و اطعام دادن در هنگام ازدواج و تولد فرزند و بازگشت از حج و تأکید بر صله ارحام و دید و بازدید و دست دادن (مصافحه) با مؤمنان، همه از لوازم و زمینه های یک اجتماع شاد و پر تحرک است و تأکید بر این امور از سوی اسلام، گواه بر اهمیت دادن دین اسلام به مقوله شادی و سرور است.  **2. فقه و شادی**  گرچه شاد بودن و شاد کردن، به خودی خود، مباح است و مورد تأکید است، اما فقه برای این دو، ضابطه دارد و نمی توان برای رسیدن به آن، از هر وسیله ای استفاده کرد. از این رو، باید وسیله شادی از نظر شرعی حرام نباشد. حرام بودن یا نبودن، مسئله ای است که در چهارچوب هدف مندی خلقت و دین قابل تفسیر و معنایابی است. از آن جا که دین، انسان و خلقت را هدف مند می داند، از این جهت، هر چه به این هدف مندی آسیب رساند و آدمی را از دست یابی به کمال مورد نظر خلقت باز دارد، در هر قالبی که باشد، ممنوع و مذموم است و در قالب غم یا شادی بودن، در این خصوص تأثیرگذار نخواهد بود. گناهان این نقش را دارند که انسان را در دست یابی به هدف مورد نظر در حیات انسانی، باز می دارند. بنابراین، نمی توان به بهانه شاد شدن و شاد کردن دیگران، از غیبت، تهمت و دروغ بهره جست. به همین جهت است که پیامبر صلی الله علیه وآله در اندرزی به ابوذر می فرماید: «آدمی (گاه) در جمعی برای خنداندن آنان سخنی می گوید و به سبب آن، در جهنمی به فاصله آسمان تا زمین سقوط می کند».4 بنابراین، نمی توان با شادی هایی که مفاسدی بزرگ تر در پی دارند، سرگرم شد؛ هر چند خود شادی به حسب طبع آدمی، مطبوع و مطلوب انسان است.  در نتیجه، گرچه انجام برخی اعمال باعث شادی می شوند، اما در اسلام نهی شده اند. شراب خواری، ارتباط زن و مرد در خارج از چارچوب مورد پذیرش اسلام، موسیقی و ترانه های مبتذل، نمایش و دیدن فیلم ها و عکس هایی که شهوت جنسی را در انسان تحریک می کنند، نمونه هایی از این امورند. نقش این عوامل در مفسده انگیزی، گاهی روشن و آشکار و گاهی از فهم بشر بیرون است.  بدیهی است که می توان با دروغ، غیبت و تهمت، لحظاتی را شاد بود؛ ولی دشمنی ها، کدورت ها، بی اعتمادی ها، هتک حرمت ها و آبروریزی های پس از این اعمال، باعث می شوند تا روابط اجتماعی میان افراد سالم نباشد. پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: «غیبت، خورش سگان جهنم است». تشبیه ظریفی در این حدیث صورت گرفته است؛ تشبیه غیبت، به خورش. خورش، چیزی است که انسان را در کنار سفره نگه می دارد. اگر داخل سفره نان خالی باشد، انسان مدت کمی کنار سفره، برای غذا خوردن درنگ می کند؛ اما اگر در کنار نان، غذاهای دیگر باشد، انسان یقیناً مدت بیشتری را برای صرف غذا درنگ می کند. حال در این روایت، غیبت به خورش تشبیه شده است؛ زیرا معمولاً آن چه باعث می شود گفت وگوی افراد به طول انجامد، غیبت کردن و غیبت شنیدن است.  به هر حال، آن دسته از مصادیق شادی که در اسلام نهی شده است، فلسفه خاصی دارد. این حکمت ها و فلسفه ها را علم هم ثابت کرده است و می توان برای آنها شاهد علمی اقامه کرد و به فرض هم که برخی آنها را علم کشف نکرده باشد، چون از چشمه سار وحی به دست آمده است، یقیناً می دانیم که حق و حقیقت هستند؛ برای مثال، اختلاط زنان و مردان نامحرم و رقص با هم، آثار مخربی به دنبال دارد. سست شدن روابط زن و شوهر و رابطه با بیگانه، خارج شدن روابط پسر و دختر از حد نیاز و ضرورت و کشیده شدن به مفاسد اخلاقی، بخشی از این آثار مخرب است.  همچنین در مورد ترانه و موسیقی، می توان به سخن امام خمینی در چهل حدیث اشاره کرد وی می گوید: اولین قدم در راه خودسازی و تهذیب نفس، عزم و اراده است و بعد از قول استادش آیة الله شاه آبادی نقل می کند که گوش دادن به غنا، عزم و اراده انسان را سست می کند.  **3. نگاه متعالی دین به شادی**  گرچه از نظر فقهی شادی امری مجاز است، اما با بررسی تعالیم دین اسلام، می توان گفت که دین، نگاهی متعالی به شادی دارد؛ زیرا نگاه دین به شادی، نگاهی هدف مند است و بر اساس آن، شادی برای خدا و شاد کردن برای خدا، ارزش دارد؛ چون هدف خلقت و کمال آن در الهی شدن همه چیز است و این امر، در سایه کمال آدمی است و شادی نیز در همین راستا، باید به تعالی برسد.  انسان برای شادی دنیوی خلق نشده است. از این رو، سرمایه ای که خداوند متعال به آدمی داده، یعنی عمر انسان، نباید به بهانه های مختلف تلف شود. ارسطو گفته است: «انسان، برای خوردن خلق نشده است و انسان، برای خوردن نیست؛ بلکه خوردن، برای انسان است. حال می توان گفت: انسان، برای شادی خلق نشده است؛ بلکه شادی برای انسان است؛ یعنی باید از شادی تا مقداری که برای ما مفید است - مثل رفع خستگی و ایجاد رابطه با دیگران - بهره جست؛ نه این که تمام عمر را در شادی به سر برد.  از سوی دیگر، گرچه شادی عملی مجاز است، اما تعالیم اخلاقی دین مقرر می دارند که شادی نباید باعث از بین رفتن وقار و ابهت انسان و یا باعث مردن دل و روح آدمی شود.  امام علی علیه السلام می فرماید: «وقار خود را در برابر خوشمزگی ها و حکایت های مضحک و یاوه ها و هرزه گویی ها حفظ کنید».5  پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «زنهار از خنده زیاد که دل را می میراند. خنده زیاد، ایمان را محو می کند».6  از نگاهی دیگر، از نظر اسلام، بهترین شادی، شادی معنوی است. این شادی، اثر دیدن مناظر زیبا و شنیدن لطیفه ها نیست؛ بلکه بر اثر اطاعت پروردگار حاصل می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «شادی مومن آن گاه است که پروردگارش را اطاعت کند و اندوهش وقتی است که گناه کند».7  انسان وقتی به سراغ گناه می رود که در خود میل و رغبت آن را می بیند و از انجام آن لذت می برد. گرچه گناه لذت دارد، اما این لذّت، لذتی حیوانی است و چه بسا لذت هایی که در زمانی کوتاه از بین رفته، اما به دنبال خود نکبت و بدبختی همیشگی به ارمغان آورده است. گناه، گرچه لذت دارد، اما ترک آن نیز برای کسی که آشنای با حیات انسانی و به کمال خود مشتاق باشد، لذت بخش است؛ خصوصاً آن گاه که لذت جویی انسان، با ترک لذت های ممنوع همراه شود که در این صورت، انسان را به لذت هایی پایدار، اصیل، ماندگار و ابدی نائل می سازد. در صورتی که انسان لذت ترک گناه را بچشد و درک کند، دیگر لذت گناه برای او جلوه ای نخواهد داشت.  **پی نوشت:**  1. ری شهری، میزان الحکمه، ج 6، ص 2449.  2. همان.  3. همان، ج 7، ص 3225.  4. همان، ص 3229.  5. همان.  6. همان، ص 3227.  7. آمدی، غررالحکم، ج 5، ص 2449. |